

ویژگی‌ها و فضایل ام البنین علیها السلام

زهرا زحمتکش *

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

چکیده

ام البنین علیها السلام مادر حضرت عباس علیه السلام، یکی از مادران برجسته تاریخ است که زندگی او مآمال از عشق به ولایت و امامت بود. این بانوی با فضیلت و آگاه به زمان خویش، از جمله کسانی بود که از حریم حسینی دفاع می‌کرد و مجلس عزای شهید کربلا را برپا می‌داشت. صفات و ویژگی‌های فردی ایشان شامل: فضایل اخلاقی، کمالات انسانی، نیروی ایمانی، شکیبایی، بصیرت و... او را به شایستگی، در خانه امامت، بانوی بانوان کرده بود. ام البنین علیها السلام با معرفتی که به مقام اهل بیت علیهم السلام داشت، فرزندان همچون حضرت ابوالفضل علیه السلام را در دامن خود پرورش داد که تا آخرین لحظات زندگی خویش دست از ولایت نکشیده‌اند. در این مقاله ویژگی‌هایی چون وفاداری، ادب، ولایت دوستی و ولایت‌پذیری، شجاعت، صبر، سخنوری و شاعری، علم و دانایی که بخشی از فضایل ام البنین علیها السلام است بررسی می‌شود. روش مورد استفاده برای انجام این پژوهش از نوع روش تحقیق تاریخی-توصیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ام البنین علیها السلام، عاشورا، ویژگی‌ها و فضایل.

۱. مدرس جامعة المصطفی العالمية نمایندگی مشهد، کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی و نویسنده مسئول (z.zahmatkesh1@yahoo.com)

در تاریخ صدر اسلام، زنان بسیاری بودند که پا به پای مردان و گاه جلوتر از آنان رسالت انسان ساز خویش را ایفا می‌کردند. آنان افزون بر انجام فعالیت‌های معمول در خانه، در سنگر اجتماع نیز در دفاع از ارزش‌های اسلامی به جان فشانی می‌پرداختند. از این رو شناساندن الگوهای موفق و اسوه‌های فکری و عملی زنان کوشا در تاریخ اسلام، اهمیت والایی دارد و باید به شناسایی اسوه‌های دانایی، ایمان و فضیلت همت گماشت.

در این میان ام البنین علیها السلام، مادر حضرت عباس علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. به گونه‌ای که نام عباس علیه السلام را بدون نام مادرش ام البنین علیها السلام نمی‌توان در ذهن تصور کرد. نام ام البنین یادآور عظمت عباس و درخشندگی سیمای ابا الفضل است. نام او خلاصه‌گذشت، ادب، فداکاری، غیرت، محبت و ولایت‌پذیری بوده است. بنابراین بررسی و شناخت ویژگی‌ها و فضایل ام البنین به عنوان فرضیه پژوهش پیش روست. براساس این فرضیه سؤالاتی مطرح می‌شود ام البنین از چه خاندانی بوده است؟ دوران زندگانی ام البنین علیها السلام با امیرمؤمنان علی علیه السلام چگونه بوده است؟ زندگانی ام البنین بعد از شهادت امیرالمؤمنان علیه السلام و همچنین بعد از واقعه عاشورا چگونه بوده است؟ و اینکه این بانوی بزرگوار در زنده نگاه داشتن یاد و خاطره عاشورا چه اهدافی داشته است؟

از آن جایی که حضرت ام البنین علیها السلام نزد مسلمانان و شیعیان منزلتی والا دارد، کرامت‌هایی از ایشان نقل کرده‌اند که در پایان مقاله به چند نمونه پرداخته شده است. بدون هیچ شک و تردیدی ام البنین از ابواب الهی و از برجسته‌ترین بانوان تاریخ است، اما متأسفانه تاریخ‌نگاران و راویان، از پیگیری جزئیات زندگانی بانویی که به تنهایی «یک امت» و «مدرسه‌ای فراگیر» برای همه نسل‌ها بود غفلت ورزیده‌اند. این مقاله تلاش دارد تا این خلأ را پر کند و اداء دینی نسبت به آن بانوی ادب بنماید. از آنجا که همسران اهل بیت علیهم السلام از جایگاه رفیعی برخوردارند و از الگوهای یک جامعه به‌شمار می‌آیند، شایسته است یاد و آثارشان در میان مردم زنده بماند تا نسل‌های بعد جایگاه بلند آنان را و آثار ارزنده که همانا پرورش وجود فرزندان پاک می‌باشد به عنوان یک فرهنگ عمومی در



آید و به دست فراموشی سپرده نشود. بررسی زندگی این مادران، می‌تواند برای همه انسان‌ها و در همه اعصار، به ویژه برای بانوان و مادران مسلمان و حتی غیرمسلمان الگویی کامل و مناسب بوده و به کارگیری خصوصیات اخلاقی، در رفتارهای اجتماعی و خانوادگی آنها بسیار تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز باشد. البته در یک تکاپوی تاریخی در می‌یابیم که هرکدام از آنها از نظر ایمان و اخلاق از برترین زنان زمان خویش به حساب می‌آمده‌اند. این بزرگواران به دلیل آنکه میزبانی و مربی مردان الهی و پیشوایان دینی و سیاسی بوده‌اند، در میان دیگر زنان از اهمیت بیشتری برخوردارند.

نسب ام‌البنین علیها السلام

پیشینه و اصالت خانوادگی، شاخص مهمی در برقراری پیوندها و رابطه‌ها در میان افراد و خانواده‌هاست؛ به دلیل این‌که شاخص‌های رفتاری، غریزی و تربیتی افراد را باید در پیشینه خانواده‌ها جست. هرچه خانواده‌ای، شاخص‌های اخلاقی و رفتاری والاتری داشته باشد، نشان‌دهنده اصالت آن خانواده است. اصالت خانوادگی در گذشته نیز حساس و مهم بوده است و هر خانواده و قبیله و طایفه‌ای که ویژگی‌های اخلاقی و جسمانی برجسته‌تری داشت، به خود می‌بالید. این موضوع در میان عرب‌ها، بسیار مهم بود و به صورت افراطی در مورد آن حساسیت نشان می‌دادند. البته با آمدن اسلام، این احساسات تا اندازه‌ای به شکل درست هدایت شد. حضرت ام‌البنین علیها السلام از خاندان و طایفه‌ای است که به شهامت، رشادت و شجاعت و ویژگی‌های نیکوی اخلاقی مشهور بودند. و همین موضوع در ازدواج علی علیه السلام با ام‌البنین علیها السلام تأثیرگذار بود. (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۶۷؛ طبری، بی‌تا: ج ۲، ۴۴۰؛ ابوفداء، بی‌تا: ج ۱، ۱۸۱؛ ابن وردی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲۰).

نسب پدری ام‌البنین علیها السلام چنین است: ام‌البنین علیها السلام دختر حزام بن خالد بن ربیع بن وحید... بکر بن هوازن. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۷؛ اصفهانی، ۱۳۷۲: ج ۸۷) نسب مادری نیز به قرار زیر است: ام‌البنین علیها السلام دختر ثمامه از خاندان سهل بن عامر بن مالک بن حعفر بن کلاب. (عبد الامیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۱۵). بدین ترتیب، ام‌البنین علیها السلام از شعبه بزرگ مُصَر و از بطن عامر و از خاندان کلاب است.

ولادت

پنج سال از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه می‌گذشت؛ سالی که برای پیامبر و یارانش در مدینه بسیار سخت بود؛ سالی که لشکرقریش برای زدودن اسلام به سوی مدینه گسیل شدند و قهرمان کفر، عمر بن عبدود با ضربه علی علیه السلام به هلاکت رسید. در همین سال در بخش جنوبی شهر مکه، در طایفه هوازن، در میان قبیله نام‌آور کلاب و در خانه جزام بن خالد، همه چشم به راه تولد نوزادی بودند؛ نوزادی که مقدر بود در آینده، به همسری قهرمان ایمان و عدالت - علی علیه السلام - درآید. متأسفانه تاریخ دقیق ولادت این بانوی بزرگوار مشخص نیست. زنی که سراسر زندگی‌اش مملو از ارزش و آرمان‌های بلند و مواضع عزتمند بود. اینجاست که باید پرسید: چه شد موعظه‌ها، دانش‌ها و قهرمانی‌ها و جهاد و صبر و مقاومت زنی که بخشی از حیاتش را در بیت امامت سپری کرد؟! و این به راستی که دردناک است. به هر صورت شاید بتوانیم به تاریخ ولادت او دست یابیم، آن هم از طریق ولادت فرزند ارشدش، قمر بنی‌هاشم که مورخان آن را سال ۲۶ هجری نوشته‌اند و عمر شریفش به هنگام شهادت در سرزمین کربلا، حسب روایت طبرسی در کتاب خود (اعلام الوری)، ۳۴ یا ۳۸ سال بوده است. (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۶).

ضمن این که همه می‌دانند واقعه عاشورا به سال ۶۱ ق. رخ داد. از اینها گذشته، وقتی امام علی علیه السلام، پس از شهادت حضرت فاطمه علیه السلام، از برادرش عقیل می‌خواهد زنی را به او معرفی کند که از تبار شجاعان و دلاوران باشد و همین کلام حضرت علی خود نشانگر آن است که «ام البنین» در آن دوران، دختری به سن بلوغ جنسی و عقلی رسیده بوده و لذا می‌توانست همسر آن حضرت باشد. روشن است اگر سن او زیر ۱۵ سال بود، عقیل از او یاد نمی‌کرد. به خصوص که او به علم انساب آشنایی کامل داشت و معقول آن بود که دختری را برای برادرش برگزیند که هم از نظر سن و سال و هم از جهت صلاحیت و شایستگی مناسب وی باش. همچنین بعید به نظر می‌رسد این وصلت بعد از سال ۲۶ هجری صورت گرفته باشد؛ چرا که فرزند برومندش، عباس در سال ۲۶ و یا ۲۳ هجری به دنیا آمده است.

علاوه براین، گمان نمی‌رود چنین دختری تا سن ۲۳ و یا ۲۴ سالگی، بدون شوهر مانده باشد؛ زیرا پسرش عباس در زمان شهادتش حدود ۳۴ سال داشت. بنابراین، ارجح آن است که سن او هنگام ازدواج با امیرمؤمنان علیه السلام ۱۷ تا ۲۱ سال باشد لذا می‌توان گفت که سن او در زمان به دنیا آوردن عباس حدود ۱۸ تا ۲۲ سال بوده و از این رهگذر، زمان تقریبی ولادت حضرت عباس را در سالهای بین ۵ و ۹ ق دانست. در این میان کسانی براین باورند که ام البنین در زمان واقعه عاشورا، حدود ۵۵ سال داشته است. اگر چنین باشد، می‌توان گفت زمان تولد عباس در سال ۶ ق. بوده است. در این صورت به نظر می‌رسد ام البنین یک سال از امام حسین علیه السلام کوچک تر بوده و آن حضرت در زمان ولادت عباس حدود ۱۸ الی ۲۲ سال داشته است. پس سال تولد ایشان را می‌توان بین سال‌های ۵ و ۹ هجری در نظر گرفت. (آقا جانی قناد، ۱۳۸۲: ۲۰)

ازدواج

هرچند علی علیه السلام پس از شهادت زهرا علیه السلام همسران دیگری نیز انتخاب کرد، ولی همیشه در پی همسری بود که از خاندان شجاعت و غیرت و فضیلت باشد. امام علی علیه السلام این امر را با برادرش عقیل در میان گذاشت. امام از او خواست دختری از طایفه‌های مشهور عرب را برایش برگزیند که به شجاعت و قهرمان‌پروری زبانزد باشند تا از او فرزندی رشید، دلیر و با شهامت پدید آید. عقیل که انساب عرب را خوب می‌شناخت. علی را به خاندان راهنمایی کرد و گفت: با ام البنین علیه السلام از طایفه کلاب ازدواج کن؛ زیرا در میان عرب، شجاع‌تر از پدران وی وجود ندارد. (مامقانی، ۱۳۵۰ ق: ج ۳، ۷۰؛ امین، ۱۴۰۳ ق: ج ۸، ۳۸۹؛ قمی، ۱۴۲۱ ق: ۳۰۲؛ کحّاله، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۲۴۲؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۹۴).

بی‌تردید، تأکید امیرمؤمنان در انتخاب همسری شجاع و قهرمان‌پرور دو مطلب اساسی را نشان می‌دهد:

نکته اول نقش و اهمیتی است که همسر در شکوفایی فرزندان و نظام خانواده برعهده دارد. ویژگی‌های اخلاقی و ایمان پدر و مادر اگرچه تنها عنصر تشکیل دهنده ویژگی‌های

فرزند نیست، ولی بخش مهمی از تربیت فرزند بدان وابسته است. بر همین اساس، در اسلام ازدواج با افرادی که دارای بیماری‌های روحی، روانی و جسمی هستند، نهی شده است. در مقابل، ازدواج با دارندگان کمال و آراستگی پیشنهاد شده است. نکته دوم این است که امام با آینده‌نگری، رویدادهای آینده را پیش‌بینی می‌کرده است. امام می‌دانست که در حماسه کربلا، حضور فرزندی رشید در کنار امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (علیه السلام) برای حمایت از دین خدا ضروری است تا حماسه عاشورا در صفحه تاریخ، ماندگارتر باشد.

او می‌بایست از پدری چون امیرمؤمنان و مادری شجاع و مهربان به دنیا آید؛ مادری که در ویژگی‌های فردی، نزدیک‌ترین شخص به زهرای اطهر (علیه السلام) باشد. هرچند امام همسران دیگری داشت، ولی هیچ یک توانایی پذیرش این امانت سنگین را نداشتند. آنان گرچه زنانی فاضل بودند، ولی نمی‌توانستند مادر حضرت عباس (علیه السلام) باشند. بدین گونه، منزلت و قدر فاطمه دختر حزام تجلی می‌یابد و تقدیر الهی، دست او را در دست بزرگ‌مرد تاریخ می‌گذارد و به مقامی می‌رسد که زنان دیگر به حال او غبطه می‌خورند. (آقاجانی قناد، ۱۳۸۲: ۲۴)

فرزندان

ثمره ازدواج امیرالمؤمنین (علیه السلام) با حضرت ام البنین (علیه السلام) چهار پسر رشید بود به نام‌های: عباس (علیه السلام)، جعفر، عبدالله، عثمان که به دلیل داشتن همین پسران، او را ام البنین، یعنی مادر پسران می‌خواندند. فرزندان ام البنین (علیه السلام) همگی در کربلا به شهادت رسیدند و نسل ایشان از طریق عبدالله فرزند حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ادامه یافت. (جعفرزاده، ۱۳۹۴: ۴۷)

مقام ام البنین

الف) دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)

ام البنین (علیه السلام) از وقتی پا به خانه امام علی (علیه السلام) گذاشت، همواره خود را در خدمت فرزندان فاطمه (علیه السلام) می‌دید و عشق و محبت خود را نثار آنان می‌کرد؛ محبتی بی‌ریا و

خالصانه که تمام وجود او را در برگرفته بود. او خدمت به فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادری کردن در حق ایشان را فرصت و توفیقی خدادادی در زندگی خویش می‌شمرد. از این رو، خود و فرزندانش مانند پروانه‌ای برگرد شمع وجود امام علی علیه السلام و یادگاران پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام می‌گشتند و از نور ایشان پرفروغ می‌شدند.

اهل بیت علیهم السلام نیز که سرچشمه‌های کرامت و فضیلت‌اند، همواره حق مادری ایشان را به جا آورده و پاس خدمت‌هایش را نگه داشته‌اند.

هر چند در تاریخ از اهل بیت علیهم السلام درباره او سخنی به طور مستقیم ثبت نشده، ولی آنچه به صورت غیرمستقیم رسیده است، برارجمندی و بلندی مقام او نزد اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. آنچه از امامان علیهم السلام درباره فضیلت ابا الفضل علیه السلام صادر گشته، در واقع تجلیل غیرمستقیم از ام البنین علیها السلام است. زینب کبرا - عقیله بنی هاشم و پیام آور کربلا - پس از ورود به مدینه، همواره مقام ام البنین علیها السلام را در نظر داشت و به وی احترام می‌گذاشت؛ به عیادت او می‌رفت و از او دلجویی می‌کرد (آقا جانی قناد، ۱۳۸۲: ۱۳).

ب) سخن بزرگان

بی‌شک، ام البنین علیها السلام که مظهر ایمان، شجاعت و عشق به ولایت است، از تمجید و ستایش دیگران بی‌نیاز است، ولی چون سخن بزرگان می‌تواند گوشه‌ای از زوایای وجودی آن بانوی بزرگ اسلام را بنمایاند، سخن این بزرگان و عالمان را می‌آوریم:

۱. عقیل بن ابی طالب؛ برادر امام علی علیه السلام و پدر بزرگوار مسلم بن عقیل است. وی عالم فرزانه و نسب‌شناس عرب بود و هموام البنین علیها السلام را به علی علیه السلام معرفی کرد. عقیل درباره خاندان ام البنین علیها السلام می‌گوید:

در میان عرب، شجاع‌تر از پدران ام البنین علیها السلام نبود. (ابن عنبر، ۱۳۶۲: ۳۵۷؛ مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۱۲۸؛ امین، ۱۴۰۳: ج ۸، ۳۸۱؛ قمی، ۱۴۲۱: ق ۳۲۲)

۲. ابونصر، سهل بن عبدالله بخاری از عالمان قرن چهارم در کتابش *سُر السلسله العلویة* می‌نویسد:

... و ام البنین علیها السلام پیش و پس از درگذشت آن حضرت (امیرمؤمنان) با کس

دیگری ازدواج نکرد. (بخاری، ۱۳۸۱ق، ۸۸)

۳. شیخ جعفر ربیع معروف به نقوی؛ فقیه و ادیب برجسته عرب زبان در عصر حاضر است. او در کتابش به نام زینب کبری می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با فضیلت، خوش بیان، سخنور، پرهیزگار و اهل عبادت بود و حق اهل بیت علیهم السلام را به خوبی می شناخت. (ربعی (نقوی)، ۱۴۱۱ق: ۲۵)

۴. عالم فرهیخته، زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی (وفات: ۹۶۵هـ.ق) نیز می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با معرفت و پرفضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دلبستگی خالص و بی اندازه داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قائل بودند و به او احترام ویژه می گذاشتند. در روزهای عید، به احترام او به محضرش می رفتند و به ایشان ادای احترام می کردند. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۷)

۵. سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه می نگارد:

ام البنین علیها السلام شاعری خوش بیان و از خانواده ای اصیل و شجاع بود. (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹)

۶. علامه سید عبدالرزاق موسوی مقرم (وفات: ۱۳۹۱هـ.ق) می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با فضیلت بود. وی حق اهل بیت علیهم السلام را خوب می شناخت و در محبت و دوستی با آنان خالص بود و ایشان نیز در میان آن بزرگوران، جایگاه بلند و مقام ارجمندی داشت. (المقزم، بی تا: ۷۲، عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۳۸)

۷. علی محمد دخیل؛ نویسنده عرب زبان معاصر می نویسد:

بزرگواری این زن (ام البنین علیها السلام) هنگامی روشن می شود که بدانیم وقتی خبر شهادت فرزندانش را به او می دهند به آن توجه نمی کند، بلکه از سلامتی حضرت امام حسین علیه السلام می پرسد؛ گویی حسین علیه السلام فرزند او است نه آنان. (دخیل، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۳۲۵)

۸. علامه حاج شیخ باقر شریف قرشی؛ نویسنده کتاب عباس بن علی، رائد الکرامه در فضیلت حضرت ام البنین علیها السلام می نویسد:

در تاریخ دیده نشده است که زنی نسبت به فرزندان هووی خود محبتی خالصانه ورزد و آنان را بر فرزندان خویش پیش تر بدارد جز این بانوی پاک؛ یعنی ام البنین علیها السلام. (شریف القرشی، بی تا؛ ۲۳؛ عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۳۸)

ویژگی های ام البنین علیها السلام

۱. وفاداری

وفا صفتی ارزنده و ستودنی است و در هر کسی باشد، او را گرامی و عزیز می گردانند. وفاداری و پای بندی به عهد و پیمان، فضیلتی بزرگ است که حتی در میان صفت های دیگر، خودنمایی می کند و منزلتی والا دارد؛ زیرا آراسته شدن به وفاداری و ملکه شدن آن در روح و روان آدمی، مستلزم پاکی و مراقبت همیشگی و پیروزی بر همه زشتی ها و وسوسه های شیطانی است.

اگر آنچه وفا به آن مربوط می شود، اسلام، امامان معصوم علیهم السلام و خاندان وحی باشند، صفت وفا ارزشی آسمانی به خود می گیرد. ام البنین علیها السلام در خاندانی پرورش یافت که وفاداری به ارزش های انسانی در آن فضیلتی سترگ شمرده می شد. از این رو، این خوی خدایی با وجود او در آمیخت و ملکه وجودش گشت. ایشان نیز این صفت را در محضر مولا علی پروراند و در وجود فرزندانش جاری ساخت. ام البنین علیها السلام همچنان که در زندگانی علی علیه السلام و فرزندانش، کمال وفا را در حق آنان نگاه داشت، پس از شهادت امیرالمؤمنین نیز بر این وفاداری باقی ماند. بدین جهت، پس از شهادت جانشوز علی با هیچ مرد دیگری ازدواج نکرد. (ابن شهر آشوب، بی تا؛ ج ۳، ۳۰۵). همین حس ایمان و وفاداری در وجود ابا الفضل تجسم یافت؛ هنگامی که آب گوارا در کف داشت، به یاد لب تشنه بردار، آب را فرو ریخت. (مدرسی، ۱۳۸۲، ۱۵؛ سالکی، ۱۳۸۲: ۵۶).

۲. ادب

ام البنین علیها السلام که از دامان خاندانی ادب پرور و برخاسته بود، در محضر اسوه ادب - علی -

آن را بارور ساخت و الهی گردانید. او در پیشگاه خدا ادب بندگی را نگاه می‌داشت و نسبت به مردم فروتن بود؛ ولی بزرگ‌ترین نمود ادب او، در برابر علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و فرزندان معصوم آنان است. هنگامی که به خانه علی قدم نهاد، خود را نه به عنوان جانشین فاطمه علیهما السلام، بلکه به عنوان خادم فرزندان فاطمه علیهما السلام می‌دانست. با آنان به ادب رفتار می‌کرد و آنها را گرمی می‌داشت. عباس از این سرچشمه ادب، تربیت آموخت که بردارش حسین را همیشه یا سیدی یا اباعبدالله خطاب می‌کرد و همواره ادب را در گفتار و رفتار خود نسبت به فرزندان زهرا نگاه می‌داشت. (الحائری، بی‌تا: ج ۱، ۴۴۳)

۳. ولایت دوستی و ولایت‌پذیری

عشق و محبت به ولایت با جان او آمیخته بود. او علی علیه السلام را نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان برادر رسول خدا و حجت خدا در میان مردم می‌دید و همسان به فرزندان معصوم او می‌نگریست. صفا و صمیمیت در محبت ایشان به مقام ولایت، موج می‌زد. هرگاه حسنین را بیمار می‌دید، دست مهربانی بر سرشان می‌کشید و همچون مادر از آنان پرستاری می‌کرد. با سخنان مهربانه‌اش، دل‌هایشان را آرامش می‌داد و در برابر آنان فروتنی می‌کرد. هرگاه با آنان روبه‌رو می‌شد، به ایشان لبخند می‌زد. (سویح، ۱۳۷۷: ۵۰).

هنگام وداع با پسرانش وقتی که همراه اباعبدالله به سوی مکه و کربلا حرکت می‌کردند، با روی باز از آنان استقبال کرد. پاسداری از وجود حسین را به آنان سفارش فرمود و فداکاری در راه حسین را به آنان گوشزد کرد. (عبدالمیرانصاری، ۱۳۷۵: ۲۴). به راستی، برای او آسان بود که داغ جانسوز چهار فرزندش را ببیند، ولی حسین به سلامت باشد؛ پسرانش در راه حسین قطعه قطعه گردند، وی حسین بماند. از این رو، وقتی بشیر خبر شهادت شهیدان کربلا را آورد، ایشان نخست نه از فرزندانش، بلکه از حسین پرسید و سراغ حسین را گرفت و گفت: «فرزندم فدای حسین باد». (عبدالمیرانصاری، ۱۳۷۵: ۲۶).

۳. شجاعت و شهامت

دلیری و شجاعت صفتی است که وجودش در مردان، به آنان برتری و

بزرگی می‌بخشد. اگر این صفت در وجود زنی نهفته باشد که خود دارای کمال علمی و ادبی نیز هست، از او شخصیتی سرآمد و ممتاز می‌سازد. ام البنین علیها السلام از خانواده‌ای برخاسته بود که معدن شجاعت و سرچشمه رشادت و غیرت به‌شمار می‌آمدند. به همین دلیل، وقتی علی علیه السلام از عقیل در مورد همسری که فرزندی شجاع پیروید، راهنمایی خواست، او را به ام البنین علیها السلام که خاندانش همه از شجاعان و پهلوانان عرب بودند، راهنمایی کرد.

ام البنین علیها السلام این صفت خاندانش را به ارث برده بود. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و شهادت عباس و دیگر فرزندان در بقیع حضور می‌یافت و عبیدالله فرزند خردسال عباس را نیز به همراه می‌برد. این روحیه، شهادت و شجاعت او در مقابل باطل نشان می‌دهد. به یقین، در آن فضای خفقان به بقیع آمدن و عزاداری کردن به گونه‌ای که مردم جمع شوند و با او هم ناله گردند (سماوی، ۱۳۷۷: ۵۶؛ طبری، بی‌تا: ج ۶، ۲۹۶؛ اصفهانی، ۱۳۷۲ق: ۸۵؛ سویج، ۱۳۷۷ق: ۷۰). عمل عاطفی صرف نیست، بلکه رنگ و بویی سیاسی دارد. در آن شرایط که یزیدیان از پیروزی موقت خود سرمست بودند و حتی مدینه را نیز در واقعه حرّه به خاک و خون کشیدند، این چنین خودنمایی و شجاعت، تنها از شیرزنی همچون ام البنین علیها السلام برمی‌آید که از آب‌شخور شجاعت سیراب گشته باشد. از دامن چنین مادری، عباس برخاست و با رشادت‌هایش در کربلا، دل اهل بیت علیهم السلام حسین را تسکین داد.

۴. صبر

در این جا به دو نمونه از موارد صبر و بردباری آن بانوی بزرگوار در مقابل مشکلات، اشاره می‌کنیم:

۱. مورخان نقل می‌کنند که روزی امیرمؤمنان، عباس علیه السلام را در دامان خود گذاشت، آستین‌هایش را بالا زد و امام درحالی که به شدت می‌گریست به بوسیدن بازوان عباس علیه السلام پرداخت. ام البنین حیرت زده از این صحنه، از امام پرسید: «چرا گریه می‌کنید؟»

حضرت با صدایی آرام و اندوه زده پاسخ داد: «به این دودست نگرستم و آنچه را بر سرشان خواهد آمد، به یاد آوردم.»

ام البنین شتابان و هراسان پرسید: «چه بر سر آنها خواهد آمد؟»

حضرت با آوایی مملوّ از غم و اندوه و تأثر فرمود: «آنها از ساعد قطع خواهند شد.»

این کلمات چون صاعقه‌ای برآم البنین فرود آمد و قلبش را ذوب کرد. سپس او با اضطراب و به سرعت پرسید: «چرا قطع می‌شوند؟» امام به او خبر داد که فرزندش در راه یاری اسلام و دفاع از برادرش، حافظ شریعت الهی و ریحانه رسول الله ﷺ دستانش قطع خواهد شد. ام البنین به شدت گریست و زنان همراه او نیز در غم، رنج و اندوهش شریک شدند. (مقرم، ۱۳۶۹ق: ۱۹)

در این لحظه بود که ام البنین عظمت و عمق ایمان خود را نشان داد و به دامن صبر و بردباری چنگ زد و خدای را سپاس گفت که فرزندش، فدایی سبط گرامی رسول خدا ﷺ و ریحانه او خواهد بود.

۲. جمله معروف او هنگام شنیدن خبر شهادت چهار فرزند خویش مقام صبر و تحمل این مادر را آشکار کرده و زینت بخش صفحات تاریخ کربلا شده است. با آنکه بشیر خبر شهادت حضرت ابوالفضل (ع) ۳۴ ساله، عبد الله ۲۴ ساله، عثمان ۲۱ ساله و جعفر ۱۹ ساله را به مادرشان می‌دهد، وی صبر و بردباری می‌کند و فقط از امام خود می‌پرسد. (کحاله، ۱۳۷۹ق: ۲۴۳).

۵. سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری، ویژگی‌هایی است که جامعه فخر برتن آدمی می‌پوشانند و هنری هستند که برای دارنده آن، مایه افتخار به شمار می‌آیند. سخنوری و شاعری در میان اعراب صدر اسلام نیز امتیاز برجسته‌ای به شمار می‌رفت. هر کس از این هنر والا بیش‌تر بهره داشت، بلند مرتبه‌تر و گرامی‌تر بود. همانگونه که گفته شد خاندان کلاب در میان عرب، به ویژگی‌های نیکویی همچون شجاعت، سخاوت، شاعری و سخنوری و... زبانزد بودند.

در میان قبیله کلاب از شاعران و سخنوران بزرگ بودند، علامه نقوی در کتاب زینب

کبری علیها السلام در این باره می‌نویسد: ام البنین علیها السلام از زنان فاضلی بود که به حق اهل بیت علیهم السلام شناخت کامل داشت. همچنین ایشان به شیوایی و رسایی سخن می‌گفت. (ربعی نقوی)، (۱۴۱۱ق: ۲۵).

عمر رضا کحّاله در اعلام النساء او را شاعری خوش بیان معرفی می‌کند. (کحّاله، ۱۴۰۴: ج ۴، ۴۰).

سید محسن امین نیز در اعیان الشیعه چنین می‌نویسد. (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۱). او از این سخنوری و شاعری سود می‌برد و مردم را به دور خود در بقیع گرد می‌آورد و با هم نوحه سرایی می‌کردند.

۶. احساس مسئولیت مقابل دین خدا

یکی از دلایلی که باعث شد ام البنین علیها السلام در عشق به حسین بن علی علیه السلام ذوب شود و با تمام وجود پیرو اهل بیت علیهم السلام شود و به رفیع‌ترین درجات ایثار و فداکاری در این راه نایل آید و از خود و فرزندانش و هر آنچه دارد، شمع‌هایی بسازد تا گردد وجود نازنین ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و جگرگوشه بتول علیها السلام بسوزند و بسازند تا از او حمایت و دفاع کنند، احساس مسئولیت ام البنین در برابر اهل بیت علیهم السلام بود.

در همین راستا، حضرت امام جواد علیه السلام فرمود: «مؤمن به سه خصلت نیاز دارد: توفیق الهی، واعظ درونی و ناصح بیرونی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ۳۲۶).

باید گفت این بانوی گرامی (ام البنین) هر سه خصلت یاد شده را داشت؛ بدین معنی که او، هم از توفیق و مدد الهی در این مسیر بهره برد و هم از واعظ درونی در ارتباط با احساس مسئولیت نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار شد و هم از ارشاد و راهنمایی‌های همسرش، علی بن ابی طالب علیه السلام، به عنوان ناصح بیرونی استفاده کرد و با این خصلت‌ها برتر از دیگر زنان شد. (الزهیر الجعفری، ۱۳۸۶: ۴۹)

۷. علم و دانایی

زندگانی ام البنین همواره با بصیرت و نور دانش همراه بوده است و این ویژگی والا در جای جای کتب تاریخی ذکر شده است و ما را با عظمت این بانوی عالمه و فاضله آشنا

می سازد. علاقه ام البنین به اهل بیت علیهم السلام و بصیرت دینی او به امامت به قدری بود که درباره او می نویسند: «برای عظمت و معرفت و بصیرت ام البنین کافی است که او هرگاه بر امیرالمؤمنین وارد می شد و حسنین مریض بودند با ملاطفت و مهربانی با آنها صحبت می کرد و از صمیم قلب با آنها برخورد می کرد چونان مادری مهربان و دلسوز، علم سرشار وی در کلام او و فرزند بزرگوارش عباس نمایان بود. او از محدثات شیعه است و فرزندان خود را با علم و دانایی تربیت کرد. اگرچه آنان فرزندان «باب علم نبی» بودند اما از دانش مادری هم بی بهره نبودند چنان که حضرت علی علیه السلام در مورد عباس می فرماید: «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد از من معارف را فرا گرفت» ام البنین علیها السلام که خود از دانش و فضیلت مایه داشت، در خانه علی نیز از کمالاتی علوی سرشار گشت، به گونه ای که همه آنانی که از ام البنین علیها السلام نامی برده اند، وی را به فضل و کمال و علم ستوده اند. از این رو، عشق و علاقه او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و علی تنها در روابط عاطفی نبود، بلکه از آگاهی و شناخت وی نسبت به آنان سرچشمه می گرفت.

برخی افراد مانند سیدمهدی سویج در کتاب ام البنین علیها السلام سیده نساء العرب در بیان فضل و دانش او، ایشان را با جناب زینب کبری علیها السلام البته در سطح پایین تر مقایسه می کند و او را به صفت عالمه می ستاید. این ویژگی آشکارا درباره هیچ کس جز زینب کبری گفته نشده است. (سویج، ۱۳۷۷ق: ۵۱).

این نویسنده از کتاب معالی السبطین و کنزالمصائب نقل می کند که حضرت عباس علم خود را در کودکی از محضر پدر و مادرش (ام البنین علیها السلام) آموخته است. (الحائری، بی تا: ج ۱، ۳۱). از این رو، صفت عالمه را برای او، سخن آن حضرت دانسته است.

۸. پاسداشت نهضت عاشورا

سنگینی مصیبت امام حسین علیه السلام و لزوم پاسداری از نهضت عاشورا و رساندن پیام آن به آیندگان اقتضا می کرد که بازماندگان و وابستگان این حادثه، آن را با هر روش ممکن زنده نگاه دارند. یکی از این راه ها، برپایی مراسم سوگواری و عزای عمومی بود.

ام البنین علیها السلام یکی از کسانی بود که این وظیفه مهم را برعهده گرفت و آن را به انجام رسانید. از ویژگی‌های بسیار مهم ایشان ام البنین، توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا، از مرثیه‌خوانی و نوحه‌سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلاییان را به گوش نسل‌های آینده برساند. بی‌شک، این موضوع افزون بر بار سیاسی، بار عاطفی نیز داشته است. همانگونه که اشاره شد، ام البنین علیها السلام سخنوری توانا و شاعری خوش بیان بود. (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۰؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹). وی به همراه فرزند عباس - عبیدالله - در بقیع حاضر می‌شد و بر شهیدان کربلا نوحه‌سرایی می‌کرد. (اصفهانی، ۱۳۷۲ق: ۹۰).

نویسنده کتاب ابصارالعین، شعرزیر را از شرح‌الکامل ابوالحسن اخفش نقل می‌کند و آن را از سروده‌های ام البنین علیها السلام در ماتم فرزندش (عباس) می‌داند:

یَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَـ	رَّ عَلَى جَماهِیرِ النَّقَدِ
وَوَرَاهُ مِنْ ابْنَاءِ حَیْـ	دَر كُلِّ لَیْثٍ ذِی لُبِّدِ
أُنْبِئْتُ أَنَّ ابْنِیْ أُصِیْبَ	بِرَأْسِهِ مَقْطُوعٌ یَدِ
وِیْلَیْ عَلَی شِیْلِی أَمَّا	لَ بَرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ
لَوْ كَانَ سَیْفُهُ فِی یَدِیْهِ	لَمَادَنَّا مِنْهُ أَحَدِ

(سماوی، ۱۳۴۱ق: ۶۴؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹؛ شبّر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۱؛ ربیع (نقوی)، ۱۴۱۱ق: ۲۶؛ امین، ۱۳۹۸ق: ۱۱۴؛ محلاتی، ۱۳۶۸ق: ج ۳، ۲۹۴).

ای کسانی که حمله جانانه عباس علیه السلام را بر گله‌های گوسفند دیدید و نیز در پی او، فرزندان حیدر را که هر کدام شیری هستند که دست از یاری‌اش بر نمی‌دارند. آه! به من خبر داده‌اند که بر سر فرزندم عباس، عمود آهنین زدند، در حالی که دست در بدن نداشته است. وای بر من! که بر سر فرزندم عمود فرود آمد. اگر فرزندم عباس علیه السلام، دست در تن و شمشیر در کف داشت، چه کسی را یارای آن بود که به او نزدیک شود؟

بدین سان ام البنین علیها السلام برای حسین علیه السلام و فرزندانش عزاداری می‌کرد و حتی فرزند خردسال عباس علیه السلام را نیز به همراه می‌برد. او چنان سوگمندانه نوحه سر می‌داد که همگان را به گریه وامی‌داشت. درباره درست بودن اسناد این اشعار به ام البنین علیها السلام،

باید گفت: به یقین بنا بر آنچه گفته شد ام البنین علیها السلام در هنگامه عاشورا زنده بود و به بقیع نیز آمده است. البته درباره اینکه اشعار یاد شده را او سروده باشد، سند محکمی در دست نیست.

گفتنی است ابیات دیگری را نیز به ام البنین علیها السلام نسبت داده اند، مانند این موارد:

لا تدعونی ویک ام البنین تُذکرینی بلیوث العرین
کانت بنون لی ادعی بهم والیوم اصبح و لا من بنین
اربعه مثل نُسور الربی قد واصلوا الموت بقطع الوتین
تنازع الحرصان اشلائهم فکالهم امسوا صریعاً طعین
یالیت شعربی اکما اخبروا بان عباساً مقطوع الیدین

(سماوی، ۱۳۴۱ق: ۶۴؛ امین، ۱۳۹۸ق: ۱۱۴؛ امین، ۱۴۰۳ق:

ج ۸، ۳۸۹؛ شبّر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۱؛ الحائری، بی تا: ۴۳۲).

ای زنان مدینه! دیگر مرا ام البنین علیها السلام بخوانید و مادر شیران شکاری ندانید. من فرزندی داشتم که به سبب آنها مرا ام البنین علیها السلام می گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده و همه را از دست داده ام. ام البنین علیها السلام با این حرکت پرشور خود به بیان حماسه عاشورا و دلیری و شجاعت فرزندان خود، نمایاندن مظلومیت حق و حقیقت، بازگو کردن تاریخ کربلا و اعتراض به حکومت جابرانه و ظالمانه یزید و امویان دست زد.

ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام

با مرگ معاویه در سال ۶۰ هـ.ق و به تخت نشستن یزید، ولید بن عتبه به دستور او کوشید تا حسین بن علی علیه السلام را به بیعت با خود وادارد، ولی امام حسین علیه السلام تسلیم نشد. او اسلام و همه تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و همه خون های شهیدان اسلام را با حکم رانی یزید برباد رفته می دید. از این رو، به نشانه سرپیچی از بیعت با یزید، به مکه هجرت کرد پس از آنکه امام حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و او آمادگی اهل کوفه را به امام اعلام داشت، ایشان تصمیم گرفتن به سوی کوفه حرکت کند. این تصمیم،

با رسیدن خبرهایی مبنی بر قصد ترور امام در خانه کعبه به دست کارگزاران حکومت یزید همزمان شد. در نتیجه امام مکه را پیش از انجام مناسک حج به سوی کوفه ترک کرد. در این سفر، ام البنین علیها السلام با کاروان همراه نبود که این مسأله ممکن است به دلیل بیماری، سالخوردگی یا درخواست امام باشد. افزون بر این، به نظر می‌رسد هیچ یک از همسران امام علی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این سفر با آن حضرت نبوده‌اند. بنابراین، او در کنار کسانی مانند ام سلمه ماند.

لحظه وداع این مادر بزرگوار با فرزندان رشیدش، بسیار شورانگیز بود. مادری، چهار عزیز خود را در سفر به همراه حسین علیه السلام بدرقه می‌کرد. لحظه وداع دیدنی بود؛ فضا سراسر اشک و احساس و عاطفه بود. نخست فرزند کوچک تر به آغوش مادر رفت. ام البنین علیها السلام او را بویید و بوسید. سپس تک تک فرزندان با مادر خداحافظی کردند. آنگاه نوبت به عباس رسید. او بزرگ‌ترین و رشیدترین فرزندانش بود، ولی دل بریدن مادری مانند ام البنین علیها السلام از پسری همچون عباس بسیار سخت و سنگین می‌نمود. سرانجام پس از بارها بوسه زدن بر گونه‌های عباسش، سر او را بر سینه خود گذاشت و دستان او را در دستانش گرفت. لحظه‌ای به سیمای نورانی و زیبای او چشم دوخت و دوباره او را در آغوش فشرد. آنگاه نخست، سفارش برادرانش را به او کرد. سپس به عباس علیه السلام، جعفر، عبدالله و عثمان رو کرد و گفت: پسرانم! عزیزانم! چشم و دل مولایم حسین علیه السلام و فرمان بردار او باشید. (عبدالمیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۲۴). شما فداییان حسینید. هرگز از او دست برندارید و تا آخرین قطره خونتان از او حمایت کنید. ام البنین علیها السلام این چنین، غمگینانه با فرزندانش و امام حسین علیه السلام و کاروانش خداحافظی کرد.

ام البنین علیها السلام پس از عاشورا

پس از آنکه نهضت عاشورا، در کربلا به خون نشست، کاروان عترت و پیام‌آوران شهادت پس از حضور افشاگرانه در کوفه و شام، به سوی مدینه حرکت داده شدند. وقتی کاروان به نزدیک مدینه رسید، امام سجاد به حرکت حماسی و سیاسی دیگری دست زد.

بشیر می‌گوید: وقتی به نزدیکی مدینه رسیدیم، امام علی بن الحسین علیه السلام فرود آمد. بار شترش را پایین آورد. چادرش را نصب کرد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند. او شاعر خوبی بود. آیا تونیز از شعر بهره‌ای داری؟ گفتم: آری! امام فرمود: به مدینه برو و خبر شهادت پدر و عزیزانم را به اهل مدینه برسان. (ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ۱۴۳). مدینه به ظاهر آرام بود، ولی روزها بود که در انتظار شنیدن خبری دهشتناک به سر می‌برد. بشیر با شنیدن دستور ولی خدا، براسب سوار شد و با سرعت خود را به مدینه رساند. وارد مسجد النبی شد. صدا را به کریه بلند کرد و با حالتی غمناک، با دو بیت شعر به انتظار تلخ اهل مدینه پایان داد:

يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ بِهَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ فَادْمَعِي مِدْرَأُ
الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُصَرَّجٌ وَالرَّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاةِ يُدَارُ

(ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ۱۴۲).

- ای اهل مدینه! دیگر در مدینه نمانید؛ زیرا حسین علیه السلام کشته شد. پس فراوان اشک بریزید. بدن حسین علیه السلام در کربلا، در خاک و خون غلتید؛ در حالی که سرش بر بالای نیزه به این شهر و آن شهر برده می‌شد. با اعلام این خبر، مدینه یکپارچه در عزا و شیون نشست. زنان از خانه‌های خود بیرون آمدند، صورت‌هایشان را خراشیدند، فریاد ماتم سر دادند و بر مظلومیت حسین علیه السلام و یارانش گریستند.

در آن میانه شور و شیون، ام البنین علیها السلام، مادر شکیبا و صبور عباس، خود را به بشیر رساند و فرمود: «بشیر! از حسین علیه السلام برایم بگو». بشیر گفت: در سوگ چهار فرزند شجاعت به تو تسلیت می‌گویم. نگاه ام البنین علیها السلام به بشیر خیره شد و دوباره تکرار کرد: «بشیر: گفتم از حسینم چه خبر آوردی؟ حسینم چه شد؟ فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد.» (مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۱۲۸).

آری، برای ام البنین علیها السلام، وجود امام و مقتدایش از همه کس مقدم بود. آفرین بر این فضیلت و ایمان و مرحبا به این بزرگواری و وفا، او بار دیگر رو به بشیر کرد و گفت: اگر حسین زنده باشد، کشته شدن چهار فرزندم برایم آسان است. (شبر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۴؛ مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۲۳۱).

ام البنین وزنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

ام البنین گریه و نوحه خوانی را وسیله و راهی برای فریاد زدن به مظلومیت امام حسین علیه السلام و اهل بیت برگزیده بود. او چنانکه اندکی پیش تر گذشت، عبیدالله فرزند حضرت عباس را با خود می برد و به بقیع می آمد و بر «کشته اشک ها»، اقامه ماتم می نمود. و با گریه ای حزن آور، بر فرزندان خویش می گریست. ام البنین حسرت و آرزوی آن را داشت که ای کاش او و فرزندانش و همه اهل زمین فدای امام حسین می شدند، اما امام زنده می بود. ام البنین از این حرکت چند هدف را در نظر داشت:

اول: اقامه عزاداری بر سرور شهیدان، ریحانه پیامبر، امام حسین، و بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی.

دوم: برای مردم از شجاعت امام و فرزندانش و همچنین از مظلومیت شان پرده بردارد و با آنان بر تاریخ افتخار ورزد.

سوم: اتفاقات کربلا و ستم هایی که بر آل پیامبر وارد شد و فجایی که هر مخلوقی از آن شرم دارد را بیان کند. او این مهم را با این روش و در قالب گریه عاطفی بیان می کرد. و این چنین، اعتراض خویش به وضعیت موجود و حکومت طاغوت را اعلام می داشت. چهارم: حاکمان ستمکار را رسوا می ساخت. حاکمانی که بر همه امورات تسلط داشته، مردم را گمراه می نموده، در گذر زمان، حقیقت ها را وارونه می ساختند. پس ام البنین با این روش، حق و حقیقت را آشکار می کرد.

پنجم: مردم را علیه بنی امیه و گناهانشان برمی انگیزد و خونخواهی شهیدان اهل بیت را می کرد.

ششم: با آنکه مزار حضرت عباس و برادرانش در کربلا بود، اما ام البنین به بقیع می رفت تا مردم در آنجا گرد آیند و ستم هایی که بر امام حسن و حضرت فاطمه رفته بود، برایشان یادآوری شود و خاطرات مردمان با پیامبر در آن مکان را برایشان بازسازی نماید و آنان را از موضع گیری های مسلمانان صدر اسلام در دفاع از پیامبر و خاندانش، که هم اکنون در این مقبره مقدس جای گرفته بودند، آگاه سازد.

هفتم: او نوه اش عبیدالله بن عباس را با خود می آورد؛ به این خاطر که وی واقعه کربلا

حضور داشت. عبیدالله شاهدهی عینی و دلیل و برهانی زنده بود تا ماجرای کربلا را برای مردم و برای نسل های آینده، روایت کند و کودکان همسن و سال او و نیز مردان و زنان بزرگسال نزد او اجتماع کنند.

وفات ام البنین علیها السلام

سرانجام، زندگی سراسر فضیلت، مهر، عاطفه و مبارزه حضرت ام البنین علیها السلام، در حدود ده سال بعد از حادثه کربلا به پایان رسید. آن بانوی بزرگوار پس از حادثه جانسوز کربلا، بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را در زنده نگه داشتن حماسه جاویدان عاشورای حسینی به زیباترین شکل ممکن به انجام رسانید تاریخ درگذشت این بانوی نامدار در هیچ یک از کتاب های معروف تاریخی و روایی نیامده است. سنّ وی در هنگام وفات نیز مشخص نشده است. در کتاب ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیها السلام، سال وفات آن حضرت، سال ۷۰ هـ.ق آورده شده است، بی آنکه به مدرک معتبری استناد دهد. نویسنده کتاب سیده نساء العرب نیز با توضیحاتی، سال وفات ایشان را سال ۶۴ هـ.ق دانسته است.

سرانجام، زنی که عمری را در راه عشق به ولایت اهل بیت علیهم السلام گذراند، جام زندگانی جاویدان نوشید و از غم دنیا آسوده شد؛ بانویی که در زندگانی اش سراسر مهر و عاطفه و مبارزه بود؛ بانویی که همسر شهید، مادر شهید و یکی از پیام رسانان خونین عاشورا بود و همه چیز خود را در راه خدا، خالصانه تقدیم کرد. وی را در قبرستان بقیع و در کنار آرامگاه امام مجتبی، فاطمه بنت اسد، به خاک سپردند. سنّ او را در هنگام وفات می توان میان ۶۰ تا ۶۵ حدس زد. (آقا جانی قناد، ۱۳۸۲: ۳۷)

کرامت های ام البنین علیها السلام

حضرت ام البنین علیها السلام از زنان بزرگواری است که درگاهش پناهگاه بی کسان و ناامیدان است. از این رو، نزد مسلمانان و شیعیان و دل باختگان آل الله، منزلتی والا دارد و کرامت هایی از او نقل کرده اند که به چند نمونه بسنده می کنیم:

۱. آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی می‌فرمود:

من در سختی‌ها، صد مرتبه صلوات برای مادر حضرت عباس علیه السلام جناب ام البنین علیها السلام می‌فرستم و حاجت می‌گیرم. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

۲. آیت الله العظمی سید محمد شیرازی می‌فرمود:

شخصی در عالم مکاشفه، حضرت قمر بنی هاشم را می‌بیند و عرض می‌کند: آقا! من حاجتی دارم؛ به چه کسی متوسل شوم تا حاجتم روا شود؟ حضرت می‌فرماید: به مادرم ام البنین علیها السلام. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۱۴۲)

نویسنده کتاب ام البنین علیها السلام؛ نماد از خودگذشتگی می‌نویسد:

خانواده‌ای ترک زبان و حنفی مذهب به محله ما آمده بودند در میان آنان خانمی بود به نام وزیره که ده سال از ازدواجش می‌گذشت، ولی هنوز بچه دار نشده بود. اهل محل به او گفتند: چرا به حضرت ام البنین علیها السلام متوسل نمی‌شوی؟ گفت: این کار سودی ندارد. به او گفتند: هرکس از غذای سفره ام البنین علیها السلام بخورد او را در پیشگاه خدا واسطه قرار دهد، خداوند دعایش را می‌پذیرد. تو نیز چنین کن، شاید خداوند دختری به تو عطا کند و به مبارکی ام البنین علیها السلام، نام او را فاطمه بگذاری. او گفت: می‌پذیرم به شرط آنکه این مطلب میان من و شما باشد و شوهر و خانواده ام از آن آگاه نشوند.

فردا وزیره با نگرانی و هراس، درحالی که صورت خود را با مقنعه‌ای پوشانده بود، به مجلس روضه‌ای در منزل حاجیه امّ عبدالامیر آمد. نخستین مرحله از ذکر مصیبت ام البنین علیها السلام پایان رفته بود و ناله و گریه زن‌ها بلند بود. با دیدن حالت گریه زنان، دل وزیره نیز شکست و غم‌هایش افزونی یافت. روضه‌خوان پس از شرحی درباره فضایل ام البنین علیها السلام، برای بهبودی بیماران ده‌ها کرد. آنگاه سفره ام البنین علیها السلام پهن شد. وزیره، کمی از خوراکی‌ها را برداشت و درحالی که اشک‌هایش جاری بود، از منزل خارج شد. او و شوهرش آن غذای متبرک را خوردند.

یک ماه پس از این رویداد، رنگ چهره وزیره به زدی می‌گرایید، به گونه‌ای که کارهایش را به سختی انجام می‌داد. شوهرش او را نزد پزشک برد. پزشک

می‌گوید: ناراحتی‌های او نشانه بارداری است. دوران بارداری گذشت و او دختری به دنیا آورد؛ دختری به دنیا آورد؛ دختری که مانند شمعی به خانه تاریک آنان روشنی بخشید. وزیر می‌خواست برای تبرک به نام ام‌البنین علیها السلام نام نوزاد را فاطمه بگذارد، ولی خویشاوندان شوهرش مخالفت کردند و نام نوزاد را بشری گذاشتند و وزیر به خاطر سوگندی که یاد کرده بود، کفاره پرداخت. (عبدالامیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۴۲)

بعد از درگذشت همسر اول آمدن همسر دوم در خانه معمولاً با درگیری‌ها، بگو مگوها و تبعیض‌هایی میان همسر دوم و فرزندان همسر اول همراه است. این درحالی است که آمدن ام‌البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام نه تنها اختلافی ایجاد نکرد، بلکه بر مهربانی در خانه و همدلی افراد خانواده افزود.

دخیلک یا ام‌البنین

در ماه ذی حجه سال ۱۴۱۵ قمری شخصی به نام «عبدالحسین» همراه خانواده و فرزندان از یک سفر تفریحی که خارج از بغداد گذرانده بودند، برمی‌گشت و در حال حرکت به سوی منزلشان بودند که ناگهان در میان راه، ماشین از کار افتاد. عبدالحسین هرچه تلاش می‌کند، نمی‌تواند علت از کار افتادن ماشین را پیدا کند. متأسفانه خیابان نیز از عبور و مرور خالی شده و امکان کمک گرفتن از دیگران وجود نداشته است. عبدالحسین متحیر و سرگردان ایستاده و همسرش نیز به علت تاریکی جاده و عدم رفت و آمد ماشین‌ها دچار ترس و وحشت می‌شود. در این اثنا همسرش از خداوند درخواست کرد به پاس حرمت ام‌البنین که کرامات او بر زبان گویندگان جاری است، به آنها عنایت نموده، برای راه افتادن ماشین کمکی به آنها برساند. ناگهان مردی از راه می‌رسد و عبدالحسین با این تصور که شاید از وضعیت ماشین و تعمیر آن اطلاعی داشته باشد، به سراغ آن مرد می‌رود. مرد می‌گوید هیچ مانعی ندارد و مشغول بررسی و تفحص می‌شود. اما نتیجه‌ای نمی‌گیرد و می‌گوید که باید بروی وسیله‌ای بیاوری و آن را بکسل کنی و به راه خود ادامه می‌دهد.

همسر عبدالحسین با صدایی محزون و دلی شکسته مرتب تکرار می‌کرد: دستم به دامن‌ت یا ام‌البنین! ما را از این گرفتاری نجات بده. عبدالحسین مجدداً برای به کار انداختن ماشین مشغول کار می‌شود و هنوز سوییچ را نچرخانده بود که صدای موتور بلند می‌شود و ماشین به بهترین وجه به حرکت درمی‌آید! آری، اتومبیل به سرعت باد می‌رفت تا اینکه به برکت حضرت ام‌البنین به منزل رسیدند. در راه همسر عبدالحسین این کلام را مدام تکرار می‌کرد:

یا اُمُّ الْبَنینِ دَخِیْلَکِ! (ربانی خلخال، ۱۴۲۰ هـ.ق: ۵۵)

ای ام‌البنین! دستم به دامن‌ت!

نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی ویژگی‌ها و فضایل ام‌البنین روشن گردید این بانوی بزرگوار در رساندن پیام عاشورا به مردم عصر خویش سهمی شایسته داشته است او فریادش را به گوش زمان رساند تا صدایش همچون صدای رسای زینب کبری علیها السلام باشد. همچنان که مانند کوهی برافراشته، در برابرادهای سهمگین ایستادگی کرد تا در طول تاریخ از قیام حسینی حمایت نموده، از حقیقت و رسالت توحید محافظت کند ام‌البنین چه در زمان حیات امام علی علیه السلام و چه بعد از شهادت ایشان برای همسرش، زنی صمیمی، فداکار و با عفت بود. فرزندان فاطمه علیها السلام را بر فرزندان خود مقدم داشت و بخش عمده محبت و علاقه خود را متوجه آنان کرد. به تربیت درست فرزند براساس مکتب اهل بیت علیهم السلام توجه داشت، در عصر خود یکی از زنان با فضیلت، پرهیزگار، عابد، با تقوا و در شعر و حدیث سرآمد دیگران بود آن بانوی بزرگوار پس از حادثه جانسوز کربلا، بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را در زنده نگه داشتن حماسه جاویدان عاشورای حسینی به زیباترین شکل ممکن به انجام رسانید، این بزرگ زن تاریخ اسلام در شمار زنانی است که تمام هستی خود را که چهار فرزندش بودند، در راه دین رهسپار جهاد با امام زمانش می‌کند، معرفت او در شمار معارف اعلی قرار دارد که امام زمانش را می‌شناسد و شرایط زمان را درک می‌کند و همه ماهیت وجودی خود را که چهار فرزند است با امام بدرقه کرد و

هرگز نگفت یکی برای من باشد، بلکه هر چهار تا را برای دین خدا و محض اطاعت امام و رهبر با امام همراه کرد وقتی از حادثه کربلا خبرها می شنید مدام می پرسید حسین فاطمه چه شد؟

او پس از حادثه کربلا و دریافت خبر شهادت چهار فرزندش همچو کوهی استوار و شکمیا، از خود جزع و فزعی نشان نداد. بلکه گفت: اینها همه فدای حسین علیه السلام باد، این امر حکایت از اخلاص کامل او به اهل بیت علیهم السلام، به خصوص امام حسین علیه السلام دارد. ام البنین را زنی ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش دانسته اند؛ چنانکه قصاید و مرثیه هایی در مورد شهدای کربلا و امام حسین علیه السلام و چهار فرزند خویش که در کربلا شهید شدند سروده است که معرفت آموز است. ام البنین بعد از حادثه کربلا، به قبرستان بقیع رفته و در ثای حسین و یارانش و عباس و دیگر فرزندان مدیحه و نوحه سرایی و گریه می نمود و این خود ضمن اعتراض به وضع سیاسی و اجتماعی یاد شهدای کربلا و آرمان و ارزش ها و اهداف قیام کربلا را زنده می داشت، اگر چه جسم او در خاک است اما روح بلند او و صفات کریمه و عظیمه وی نام او را به بلندای آفتاب زنده نگاه داشته است و در پرتو صفات این بانوی فاضله انسان هایی تربیت شده اند که در تاریخ ماندگار بوده اند و در طول زندگی با برکت خویش، پیام رسان شهیدان راه فضیلت و تداوم بخش راه امامت بود و رسالت خویش را به طور کامل ادا کرد.



منابع

- آقاجانی قناد، علی. (۱۳۸۲). مادر فضیلت ها، قم: مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- ابن اثیر جوزی، عزالدین. (بی تا). اسد الغابة فی معرفة الصحابة. تحقیق محمد ابراهیم بٹا و محمد احمد عاشور، بیروت: دارالشباب.
- ابن حجر عسقلانی. (۱۴۱۵ هـ.ق). الاصابة فی تميز الصحابة.
- ابن حجر عسقلانی. (۱۴۱۵ هـ.ق). تهذیب التهذیب. تحقیق شیخ عادل احمد عبدالموجود، شیخ علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شهر آشوب. (بی تا). المناقب. قم: علامه.
- ابن عنبر. (۱۳۶۲). عمدة الطالب. قم: رضی.
- ابن عنبر. (۱۴۱۷ هـ.ق). عمدة الطالب. قم: صدر.
- ابوالفرج اصفهانی. (۱۳۷۲). مقاتل الطالبین. تحقیق سیداحمد صقر، قم: شریف رضی.
- ابوفداء، عمادالدین اسماعیل. (۱۴۱۳ هـ.ق). البداية والنهاية. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوفداء، عمادالدین اسماعیل. (بی تا). تاریخ ابوفداء (المختصر فی ابناء البشر). قاهره: مكتبة المتنبی.
- الحائری، شیخ محمد مهدی. (بی تا). معالی السبطين. بیروت: مؤسسه النعمان.
- المقرّم، عبدالرزاق. (بی تا). العباس. بی جا: شریف رضی.
- المقرّم، عبدالرزاق. (۱۳۶۹ ق). قمر بنی هاشم، نجف اشرف: حیدریه.
- امین، سید محسن. (۱۴۰۳ هـ.ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امین، سید محسن. (۱۳۹۸ هـ.ق). المجالس السنیة. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امین، سید محسن. (۱۹۹۶ م). لواعج الاشجان فی مقتل الحسین علیہ السلام. تحقیق سید حسن امین، بیروت: دارالامیر.
- بخاری، ابی نصر. (۱۳۸۱ هـ.ق). سّر السلسلة العلویة، با تعلیق سید محمد صادق

- بحرالعلوم، قم: چاپخانه نهضت.
- تستری (شوشتری)، محمدتقی. (۱۴۱۵ ه.ق). قاموس الرجال. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- الجعفری، الزهیر. (۱۳۸۶). تاریخ و رجال: شخصیت و موقعیت البنین در اسلام، میقات حج، ش ۶۲.
- جعفرزاده، جلیل. (۱۳۹۴). بانوی ادب، حضرت ام البنین، ری: سمیع.
- دخیل، علی محمد. (۱۴۰۱ ه.ق). العباس. بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- ربانی خلخالی، علی. (۱۳۷۸). ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام. قم: مکتب الحسین علیه السلام.
- سالکی، محمد علی. (۱۳۸۲). ام البنین، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سماوی، محمد بن طاهر. (۱۳۴۱ ه.ق). ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام. نجف اشرف: چاپخانه حیدریه.
- سماوی، محمد بن طاهر. (۱۳۷۷). تحقیق شیخ محمد جعفر طوسی. قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- سویح، خطیب مهدی. (۱۳۷۷ ه.ق). ام البنین علیها السلام سیده نساء العرب. قم: امیر.
- شبّر، جواد. (۱۴۰۹ ه.ق). ادب الطف او شعراء الحسین علیهم السلام. بیروت: دار المرتضی.
- شیخ صدوق. (۱۳۸۵ ه.ق). علل الشرایع. نجف: حیدری.
- شیخ طوسی. (۱۳۸۰ ه.ق). رجال شیخ طوسی. نجف: رضی.
- شیخ طوسی. (۱۴۱۵ ه.ق). رجال شیخ طوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
- صفایی حائری، عباس. (۱۳۷۹). تاریخ سید الشهداء. قم: مسجد جمکران.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۷ ق). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام للاحیاء التراث.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ طبری. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالامیر انصاری، محمد رضا. (۱۳۷۵). ام البنین نماد از خودگذشتگی. برگردان:

- موسی دانش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- قمی، شیخ عباس. (۱۴۲۱ ه.ق). نفس المهموم. بی جا: مکتبه الحیدریه.
- کحّاله، عمر رضا. (۱۴۰۴ ه.ق). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام. بی جا: مؤسسه رسالت.
- کمپانی، محمد حسین. (۱۳۳۸). دیوان کمپانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مامقانی، شیخ عبدالله. (۱۳۵۰ ه.ق). تنقیح المقال فی احوال الرّجال. نجف.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محلاتی، ذبیح الله. (۱۳۶۸ ه.ق). ریاحین الشریعة. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۳۸۲). ام البنین علیها السلام قدوة الایمان والاستقامه، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۲). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.

